



درز وایای تاریخ

اولین معاهده افغان و انگلیز در یکنیم صد سال پیشتر

او آخر قرن هجدهم مسیحی، در دنیاى شرق و غرب، دوره يك تحول بزرگ اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بود. در اروپا این دوره را « دوره ناپلیون » مینامیدند و در آسیا آنرا بایستی « دوره پیشرفت جهانگیران غربی » خوانند. در هر حال هنگامیکه بر تانیای عظمی قدم بقدم در برابر اعظم هند پیش میرفت، دولت افغانستان در پایتخت کابل قشون مجهزی تشکیل کرده بود، در جنوب هندوستان نیز « تیبو صاحب » به سنت پدر نامدارش « حیدر علی »، خطه « میسور » را بشکل یک دولت نظامی در آورده بود، و این هر دو قوت بود که آقائی « کمپنی » بونایتند ایست اندیا، را تهدید مینمود، خصوصاً که ناپلیون در جبهه های غرب و شرق این خطر و تهدید را تقو به مینمود.

اما چنانکه ماشین نظامی بر تانیا تیبورا در هند بشکست، د پیلو ماسی آند ولت هم توانست توسط اعزام نماینده های خود، در بار فتح علی شاه قجرا، بر ضد افغانستان و زمان شاه ابدالی بکار اندازد، و در نتیجه سو قیات قاجاری در شمال مغرب افغانستان، و اشتعال خانه جنگی های در بار ابدالی، زمان شاه با طر حهای نظامی خودش یکجا از میان رفت. ولی تهدید فرانسه هنوز بقوت خود باقی بود، خصوصاً بعد از آنکه ایران

از روسیه زاری شکست خورده و «گرجستان» را از دست داد ، و در چنین وقتی نماینده ناپلیون که خود باروسیه داخل جنگ بود ، بطهران رسیده ، تمام مقدمات سیاسی «سرجان مالکم» را که در سال ۱۸۰۰ چیده بود ، ازین برد ، و متعاقباً جنرال «گاردن» فرانسوی برای سروصورت دادن اردوی قاجاری وارد ایران گردید .

البته این حرکات فرانسه در همسایگی هندوستان ، باعث اضطراب برتانیای کبیر بود ، اینست که «جدا» دولت انگلیس متوجه افغانستان گردید ، و لارده منتو ، ششمین گورنر جنرال انگلیسی هند ، آنکه از سال ۱۸۰۷ تا ۱۸۱۳ در هندوستان مقبوضه فرمان میداد ، در سال ۱۸۰۹ سفارت مختار و فوق العاده ، بریاست «منستیوارت الفنسٹین» بدر بارش شجاع ابدالی پادشاه افغانستان اعزام نمود . این هیئت سفارت بعلاوه مطلب سیاسی ، بارخانه در معیت خود داشت که حامل اشیاء هدایای قیمتداری بود از قبیل : آینه های قدیما ، ظروف بلورین ، صندوقچه های ساز خود آواز ، دوربین ها ، و تفنگچه ها ، در بین این تحایف از همه مهمتر «بالا پوش زردوزی» بود که از جانب شخص پادشاه انگلیس ، بعنوان پادشاه افغانستان ، با دو زنجیر فیسل فرستاده شده بود .

در چنین وقتی شجاع در شهر پشاور اقامت داشت ، زیرا نائب الحکومه افغانی ولایت کشمیر عظام محمد خان پسر مختار الدوله منحرف گردیده بود ، و شجاع از پشاور یکفرقه دوازده هزار نفری تحت قومانده شهبزاده منصور و محمد اکرم امین الملك بغرض تنبیه او ، و تنظیم کشمیر اعزام مینمود . پس سفارت انگلیسی در همین شهر بحضور پادشاه افغانستان باریافت ، و بعد از چندین ملاقات و مذاکره برای انعقاد یک معاهده «اتحاد دفاعی» موافقت طرفین حاصل شد ، اینست که برای بار اول در تاریخ هردو کشور ، این معاهده بشکل ذیل بمیان آمد :

* * *

از آنجا که بسبب ظهور تمهیدات عنوان موافقت و مرافقت ، از طرف قوم فرانسه با پادشاه ایران ، به اراده یورش آوردن بر ممالک سرکار عظمت مدار پادشاه در دران و بعد از آن در ممالک سرکار دولت انگلیس متعلقه کشور هند ، جناب شهامت و بسالت مرتبت ، نبالت رایالت منزلت امیر الامراء العظام ، فراست و کیاست از تمام ، مستر الفنسٹین بهادر بجهت این معنی مأور شد که باتفاق و استصواب کارکنان حضور

باهرالنور اعلی حضرت فلک رفعت ، قمر طلعت ، ناهید بهجت ، عطار دلفننت ، خورشید
 مرتبت ، بهرام صولت ، برجیس سعادت ، کیوان منزلت ، سکندر حشم ، جمشید خدم
 قآن دربان ، قیصر پاسبان ، ظل ظلیل (ردگار جلیل ، حامی مراسم معدلت ، ما حی
 آثار بدعت ، المؤید بتائیدات الله پادشاه سپهر بارگاه کابل ، طرح انداز سر رشته حفظ
 و حراست ممالک هر دوسر کار عالم مدار ، از آسیب یورش متخیله قوم فرا نسیس
 و قاجار شوند . چنانچه از طرف جناب جلالت و عظمت و اقبال مآب ، حشمت و فخامت
 و اجلال نصاب ، اریکه آرای قوت و اقتدار ، و وساده بیرای قدرت و اعتبار ، محرم
 حقایق ملت مسیحیه ، مشیر خاص دولت انگلیسیه ، رموزدان احکام سلطانی ، مقرب
 بارگاه جهانبانی اشرف الامر الاردمنت و گورنر جنرال بهادر ، مالک و مختار جمیع
 امور مالی و ملکی و عسکری متعلقه ممالک قسیح المسالک سرکار انگلیس بهادر واقع
 دیار هند ، بدر بار فیض آثار پادشاه ممدوح ، متعین و مأمور ، و سعادت تلشیم عتبه علیه
 فیاض و مستعد شده ، و مقصود دوستانه افادت انتمای تعینات خود را ، بمعرض عرض
 و اظهار حضور باهرالنور پادشاه ممدوح در آوردند ، و پادشاه ممدوح نیز فواید و منافع
 سر رشته موافقت و مرافقت هر دو دولت دوران عدت را ، در ین باب بنظر حق بین دیده
 بوجه احسن و روش مستحسن فهمیده ، بکاربرد ازان سرکار خود حکم فرمودند
 که باسفیرموصوف سوال و جواب نمایند ، و لحاظ سود و بهبود هر دوسر کار جهان
 مدار داشته ، عهدنامه دوستی شمامه ، بیک جهتی ختامه قیما بین دولتین قوی شو کتین
 علمیتین ، موثق گردانند . و در ینصورت بفضل و عنایت لم یزلی قطعه عهد نامه مشتمل
 بر چند شرط ، در میان کار گذاران موصوف ، و سفیر دولت انگلیس بهادر ، حسن
 انتساق ، و بمهر خاص میمنت اختصاص پادشاه ممدوح درجه منظوری یافت . چنانچه
 سفیر موصوف نقل عهدنامه مزبور را بعالی خدمت فیض موهبت گورنر جنرال بهادر
 معزی الیه ، جهت مهر و دستخط ارسال داشته بودند ، و شرایط مندرجه آن ، پیش
 نواب صاحب معزی الیه ، بلا تغییر و تبدیل مقصد و معنی ، منظور شده ، با ا ل فعل نقل
 دفعات عهدنامه مزبور ، بموجب تفصیل ذیل بمهر و دستخط نواب معزی الیه و نیز
 دستخط امرائی که در انتظام امور این ریاست شریک اند ، مرسل گشت ، و مستلزماتی که
 ایفای آن چه در حال و چه در مآل ابدالدهر بر زمت هـ - مت اولیای هر دو دولت
 ابد مدت ، واجب و لازم خواهد بود ، محض از روی مضامین و فحوای کلام موافقت

آگین دفعات مزبور که در ذیل تحریر یافت، مشخص و مستنبط خواهد گردید: —
 اولاً آنکه چون طائفه فرانسیسه و قاجاریه با هم در مخالفت دولت درانیه
 متفق شده اند، هرگاه خواسته باشند که در ممالک سلطانی عبور نمایند
 چاکران در گاه آسمان جاه پادشاه ممدوح سد راه آنها شده حتی المقدور
 در مجادله و مانع آنها گویند و نگذارند که عابر و قاصد هند متعلقه انگلیسیه
 شوند.

ثانیاً آنکه اگر فرانسیسیان و قاجاریه بمعاهده خوردها عازم ملک پادشاهی شده،
 لشکر کشی نمایند، کارکنان دولت انگلیسیه بجهت تدافع آنها قسوری نوزیده،
 از اخراجات جهت مهم مزبور خود را معاف ندانند، و هرگاه قرارداد معاهده فرانسیس
 و قاجاریه برقرار نباشد، این دو مطلب که مرقوم خامه مشکین شما مه گردید، برقرار
 بوده، از طرفین بوقوع رسد.

ثالثاً آنکه فی این دو دولت دوستی و یگانگی همیشه برقرار بوده، حجاب بیگانگی
 از میان مرتفع باشد، و بمملکت یکدیگر هیچگونه مداخلت نه نمایند، و پادشاه ممدوح
 از فرانسیسیان احدی را در ملک خود راه ندهد.

و چون خیر خواهان دولتین، عهدنامه را باینوجه نگار نمودند، و از طرفین رسوخ ثبات
 بعمل آمد، مراقبه هدا بمهر و دستخط نواب صاحب ممدوح، و دستخط دیگر امرای
 شریک امور انتظام این ریاست، در تاریخ ۱۷ جون ۱۸۰۹ مسادی ۱۲ جمادی الاول
 ۱۲۲۲ سمت تحریر یافت.

* * *

باینصورت در بر خورد نخستین سیاسی افغان و انگلیز، دیپلوماسی بر تانیا بسهولت
 موفق شد که دولت افغانستان را بدون هیچگونه مناقعی، بکطرفه و بمصالح
 امپراطوری خود پابند نماید، در حالیکه خودش شش سال بعد طبق عهدنامه که با فتح علی شاه
 قاجار بست مفهوم «اتحاد تدافعی»، افغان و انگلیز را نقض نمود، و متعهد شد که در جنگ
 افغانستان و ایران بیطرف بماند در هر حال طوری که برای یکصد سال دیگر همیشه
 انگلیزها در عقد معاهدات با افغانستان موفق بوده اند، افغانستان در ساحه جنگ های
 متعدد با انگلیس، غالب و فیروز گردیده اند.